

قانون پیشنهادی بازار سرمایه

به مسائل و چالش‌های اقتصادی ایران از هر منظر و با هر دیدگاهی که بنگریم، سریع به این نتیجه می‌توان رسید که افزایش سرمایه‌گذاری سازنده و اشتغال‌زا یکی از مهم‌ترین ابزار مقابل‌ه با مشکلاتی چون بیکاری، رکود اقتصادی، تورم و ... خواهد بود. تجربه نیز ثابت کرده است که تشکیل سرمایه مفید در هر اقتصادی به وسیله در اختیار داشتن ابزارهای مناسب برای جذب سرمایه‌های مردمی و کوچک امکان‌پذیر است. خوشبختانه در ایران در چند سال اخیر به اینگونه ابزارها از جمله انتشار اوراق مشارکت و تأسیس مؤسسه‌های اعتباری خصوصی که با ایجاد انگیزه از طریق سود بیشتر بر سپرده‌های بانکی سرمایه‌های مردمی را کنند، توجه شده است. مع‌هذا در کلیه ساختارهای اقتصادی بازار اوراق بهادار مهم‌ترین ابزار برای جذب سرمایه‌های کوچک به فعالیت‌های سازنده اقتصادی به شمار می‌آید. با اینکه در چند سال گذشته شاهد حرکت‌های جدید در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌ایم، ولی مشکلات اصلی ساختاری این سازمان هنوز حل نشده است. مهم‌ترین این مشکل‌ها، وابستگی این نهاد

مهم اقتصادی به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است بازبینی این وابستگی که نه دارای منطق اقتصادی است و نه منطق نهادینه، برای پیشبرد اهداف کشور بسیار حائز اهمیت است.

خوشبختانه آقای خانمی پس از شروع دوره ریاست جمهوری خود در سال ۱۳۷۶، گروهی را از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی مأمور تحقیق، تدوین و تهیه پیش‌نویس لایحه قانونی بازار اوراق بهادار کرد. این لایحه در اوایل سال ۱۳۷۸ کامل شده و تقدیم هیأت دولت شد. (متن کامل این لایحه در مجله *اقتصاد ایران*، سال اول، شماره هفتم، تیر ۱۳۷۸، صفحات ۴۲ تا ۴۵ به چاپ رسیده است).

از ویژگی‌های مهم این لایحه، پیشنهاد تشکیل یک هیأت نظارت است که نهایتاً موجب استقلال بورس اوراق بهادار از بانک مرکزی خواهد شد. بر اساس ماده ۲ این لایحه "به منظور ایجاد و حفظ بازار اوراق بهادار عادلانه، منظم و شفاف و نظارت بر حسن اجرای این قانون، هیأت نظارت بر بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران" تشکیل می‌شود. همچنین ماده ۳ تصریح می‌کند: "هیأت نظارت نهاد عمومی غیردولتی و دارای شخصیتی حقوقی مستقل بوده و متشکل از هفت عضو به شرح زیر است:

الف) پنج نفر به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیأت وزیران،

ب) دادستان کل کشور یا یکی از معاونان به معرفی وی،

پ) رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران یا نماینده تام‌الاختیار وی.”

به نظر می‌رسد که در ابتدای بحث، این امر که قانون، وزیر امور اقتصادی و دارائی را متولی بازار اوراق بهادار می‌نماید، با مقاومت دیگر مقامات اقتصادی (احتمالاً بانک مرکزی) روبرو شده است، ولی چنین مشکلی را می‌توان با واگذاری این مسئولیت به خود ریاست جمهوری حل کرد. به عبارت دیگر، ۵ عضو اصلی هیأت نظارت از طرف رئیس جمهور پیشنهاد شده و به تصویب هیأت وزیران برسد.

اگر این مشکل برطرف شود- که حل آن با پیشنهاد فوق سهل به نظر می‌رسد- پرسش اینجاست که چرا این لایحه که دارای ویژگی‌های بسیار سازنده‌ای برای ساماندهی به بازار اوراق بهادار کشور می‌باشد، هنوز از تصویب هیأت وزیران نگذشته است؟ اگر بنا بر این باشد که برای معضلات اصلی اقتصادی کشور گروه کارشناسی تعیین کرده و سپس لایحه و یا پیشنهادی را تدوین کنیم، ولی نهایتاً در تصویب و اجرای آن سهل‌انگاری نمائیم، نه تنها مشکلات اقتصادی کشور حل

نمی‌شود، بلکه سوءظن جامعه به نهادهای دولتی بیشتر می‌گردد. به طور مثال هم‌اکنون با تأخیر ناموجه در تصویب لایحه فوق و ارائه آن به مجلس، دو نگرانی به وجود می‌آید: اول اینکه شاید هنوز برسر اینکه کدام شخص و یا نهاد متولی بازار اوراق بهادار باشد، بین مسئولین دولتی اختلاف وجود دارد و دوم اینکه شاید نهادهای دولتی هنوز آمادگی ارائه شفافیت و نظمی را که لایحه پیشنهادی آن را از شرکت‌های لیست شده در بورس و سهام‌داران آن طلب می‌کند، ندارند. بدیهی است که مهم‌ترین عنصر قانون جدید باید این باشد که در ساختارهای مالکیتی و مالی شرکت‌های بورس شفافیت کامل ایجاد کرده و با این اهرم و ایجاد چارچوب حقوقی و نهادینه مناسب برای پاسخ‌گویی شرکت‌ها، سرمایه‌داران کوچک خصوصی را به سرمایه‌گذاری جذب نماید.

در هر حالت بهتر است که مقامات مسئول در دولت، بانک مرکزی و بورس با اطلاع‌رسانی دربارۀ وضعیت فعلی لایحه مذکور، به پرسش‌های فوق پاسخ داده و قدمی سازنده در جهت برطرف کردن یکی از معضلات فعلی ساختار اقتصادی بردارند.

ب.خ.خ